

شیوه مبارزاتی امام خمینی ره در چهارچوب قدرت نرم، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی

* محمد شفیع‌فر
** فریدون فائزی‌نیا
*** اردوان محمدی

چکیده

در تاریخ معاصر ایران دو نوع شیوه مبارزاتی سیاسی - پارلمانی و مسلحانه مرسوم بوده است، اما هر دو شیوه بنابه دلایلی ناکام مانده و توفیقی در پی نداشته است. در دهه ۱۳۵۰ امام خمینی ره با ابداع یک شیوه مبارزاتی جدید، توانست به عمر نظام سخت‌افزاری طاغوت پایان دهد. بنابراین، پژوهش حاضر تلاش دارد به بررسی شیوه مبارزاتی امام خمینی ره در مقابله با رژیم طاغوتی پهلوی در قالب قدرت نرم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی بپردازد. در همین ارتباط، ابتدا به مؤلفه‌های فرهنگی - مذهبی مولد قدرت نرم پرداخته می‌شود و در ادامه ضمن بررسی اقدامات امام در جهت بازتولید قدرت نرم با بهره‌گیری از الگوهای دینی - اعتقادی، در قسمت پایانی به استراتژی‌های مبارزاتی امام خمینی ره در مبارزه با رژیم پهلوی پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

قدرت نرم، آموزه‌های دینی، انقلاب اسلامی، طاغوت، امام خمینی.

shafieef@ut.ac.ir

freydoonfa@yahoo.com

ardavan.mohammadi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ???

*. استادیار دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران.

*** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ???

مقدمه

برخی اعتقاد دارند قدرت، توانایی و ظرفیت انجام کارهاست. به زعم بعضی دیگر، قدرت، تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است به نحوی که آنچه می‌خواهیم، اتفاق بیفتد. (نای، ۱۳۸۷: ۴۳؛ گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲) به همین دلیل، قدرت به معنای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. اما برای تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد: تهدید یا اعمال نیروی قهریه، کاربرد قدرت اقتصادی و بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم افزاری قدرت.

در جریان انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام با بهره‌گیری از الگوهای دینی و اعتقادی، توانست با تأثیرگذاری بر ارزش‌ها، هنجارها و شخصیت افراد جامعه، در نگرش و جهت‌گیری آنها نسبت به رژیم پهلوی دگرگونی ایجاد کند و در مقابل نیروی نظامی و ارتش قدرتمند شاه و نیز ساختارهای اداری و بوروکراتیک نظام - که به عنوان پایه‌های قدرت شاه محسوب می‌شدند - بدون کاربرد گسترده خشونت فیزیکی، بساط رژیم را برچیند.

سؤال این است که امام خمینی علیه السلام چگونه توانست به عمر نظام پهلوی پایان دهد؟ به نظر می‌رسد شیوه مبارزاتی امام خمینی علیه السلام برگرفته از شیوه مبارزاتی انبیای الهی و نوعی مبارزه فرهنگی در چارچوب نظریه قدرت نرم مبتنی بر آموزه‌های دینی بود. این شیوه هم به لحاظ محتوا و هم از لحاظ هدف با سایر شیوه‌های مبارزاتی تفاوت فاحشی داشت. مبارزه امام برخاسته از فرهنگ و متن جامعه اسلامی بود و ایشان با جان بخشی به مفاهیم موجود در آن موفق به هدایت، رهبری و پیروزی انقلاب اسلامی شد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال آزمون فرضیه مذکور است و در این راستا به بررسی روند غلبه امام خمینی علیه السلام بر رژیم پهلوی در قالب قدرت نرم مبتنی بر الگوهای دینی می‌پردازد.

قدرت نرم

قدرت بر اساس نحوه به کارگیری و چگونگی تحمیل اراده، به سه نوع سخت، نیمه سخت و نرم تقسیم می‌شود. برخلاف نفوذ و قدرت برخاسته از نیروی نظامی، مجازات‌های اقتصادی و حتی کمک اقتصادی، قدرت نرم، توانایی به دست آوردن آنچه می‌خواهید از طریق جذب و جلب نظر و متقاعد ساختن دیگران به این است که هدف‌های شما را در پیش گیرند. (ایندرجیت و مایکل، ۱۳۹۱: ۲۰) در یک تعریف دیگر، قدرت نرم، توانایی تغییر شکل ترجیحات، تصمیمات و الویت‌های دیگران است. (نای، ۱۳۸۷: ۸۷؛ پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۶) در واقع، قدرت نرم، شکل‌دهی و تغییر ایده‌ها و ترجیحات

طرف مقابل یا توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه (نه اجبار یا تطمیع) است. (نای، ۱۳۸۷: ۲۶)

اصطلاح قدرت نرم اولین بار توسط «جوزف نای»^۱ پژوهشگر آمریکایی در سال ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت و طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ توجه نظریه پردازان را به خود جلب کرد. نای معتقد است همانند تعریف قدرت، در مورد چگونگی استفاده از آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی می‌توانند دیگران را از طریق تهدید، مجبور به انجام کاری کنند و برخی دیگر از طریق پاداش، افراد را همسو می‌کنند. هر چند برخی افراد اعتقاد دارند بدون اعمال اجبار و صدور دستور، تحقق اهداف و تغییر رفتار دیگران غیرممکن است، ولی اگر طرف مقابل، اهداف ما را مشروع تلقی کند، می‌توان بدون اعمال زور او را با خود همراه کرد. (نای، ۱۳۸۷: ۲۶) این همان چیزی است که در قدرت نرم مطرح می‌شود.

درواقع، زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید تا ایده‌های شما و آنچه را که شما می‌خواهید بپذیرند، بدون اینکه برای این کار هزینه (امتیاز و اجبار) زیادی صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید. اساس قدرت نرم بر ارزش‌ها نهاده شده است؛ بر فرهنگ و درواقع، ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲) این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است؛ به طوری که قدرت سخت، یا در کاربرد ابزارهای نظامی، اعمال زور، بازدارندگی، تهدید و ارباب، جنگ و سیاست زورمدارانه جلوه می‌کند یا در اعمال قدرت اقتصادی، رشوه دادن، کمک‌های مالی و تشویق و تهدید اقتصادی. اما قدرت نرم، سرشت دیگری دارد؛ این شکل از قدرت بر مبنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران استوار است که عمدتاً با مقوله‌های نامحسوس و ناملموسی همچون جاذبه‌های شخصیتی، فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی و سیاست‌های جذاب که مشروع تلقی می‌شوند، مرتبط است. (نای، ۱۳۸۷: ۴۵ و ۵۱؛ ایندرجیت و کاکس، ۱۳۹۱: ۱۰۰ - ۹۹)

به عبارتی، قدرت سخت دارای ساختار هرمی با منطق بالا به پایین است، حال آنکه قدرت نرم در ساختار کروی و با منطق دیالتیک متن‌بازتر تولید می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۳) براین اساس، قدرت نرم، چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است و به اندازه قدرت سخت وابسته به دولت نیست و تنها در چنبره حکومت محبوس نبوده و فرهنگ عمومی جامعه تأثیر فراوانی بر آن دارد. این نوع قدرت بر جذابیت و جاذبه خود تکیه می‌کند، نه هل دادن و دافعه، و اتکای آن به پذیرش است، نه تحمیل.

گرچه قدرت نرم نخستین بار به وسیله «ژوزف نای» مطرح گردیده و ابداعی مدرن می‌باشد، اما در عالم واقع، موضوعی با سابقه و قدیمی است که در دوره‌های مختلف از آن استفاده

1. Joseph Nye.

شده است. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۲) با کمی کنکاش در تاریخ مشخص می‌شود که ادیان ابراهیمی به ویژه اسلام به‌گونه‌ای ظریف این موضوع را مدنظر داشته و همواره در تعالیم خود از آن استفاده کرده‌اند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام از نمونه‌های بی‌بدیل قدرت نرم محسوب می‌شوند که با سعی و اهتمام خود قدرتی بی‌نظیر برای اسلام و مسلمانان فراهم آوردند. به طور مثال اقدامات رسول اکرم در تأسیس نظام اسلامی و گسترش آن؛ توسعه سریع اسلام با کمترین ابزار نظامی در کشورهایی با فرهنگ و تمدن کهن چون ایران، هند، مصر، سوریه و ...؛ مسلمان شدن قوم مغول پس از حمله به ایران؛ ورود فرهنگ اسلامی به غرب در دوره رنسانس و گسترش موج انقلاب اسلامی، همه نشانگر وجود قدرت نرم در اسلام و نمادها و فرهنگ آن است. (محمود مولایی کرمانی و دیگران، ۱۳۹۱)

ویژگی‌های قدرت نرم^۱

برای شناخت هر پدیده، باید ویژگی‌های متمایز کننده آن پدیده را برشمرد. در ادامه به برخی از ویژگی‌های این نوع از قدرت اشاره می‌شود. امام خمینی در جریان هدایت انقلاب اسلامی و مبارزه با رژیم شاهنشاهی، ضمن شناخت اهمیت این نوع قدرت و ویژگی‌های آن، نهایت استفاده را از آن برد. ۱. ذهنی و غیرمحسوس بودن: قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت، از ماهیت ذهنی و انتزاعی برخوردار است. لذا کاربرد آن کمتر موجب واکنش و برانگیختن رقیب می‌شود. به طوری که رژیم پهلوی ضمن برخورداری از نیروی نظامی مقتدر، هرگز فکر نمی‌کرد در مقابل قدرت نرم امام و مردم مغلوب شود.

۲. تدریجی بودن: قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت در یک فرایند تدریجی و بلندمدت اعمال می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان، آغاز بهره‌گیری امام از قدرت نرم علیه رژیم پهلوی را از سال ۱۳۴۲ می‌دانند.

۳. غلبه بعد فرهنگی: گرچه قدرت نرم همه ابعاد یک نظام، به ویژه سه بعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، ولی بعد فرهنگی آن برجسته‌تر است و با دگرگونی هویت فرهنگی، نظام سیاسی موجود ناکارآمد گردیده و زمینه‌های فروپاشی آن فراهم می‌شود، همان چیزی که نمود عینی آن را در انقلاب اسلامی به وضوح شاهد بودیم.

۱. این بحث، در قالب ویژگی‌های جنگ نرم نیز مطرح شده، اما با توجه به سخت بودن تفکیک حوزه جنگ نرم و قدرت نرم، در این پژوهش ویژگی‌های مذکور در مورد قدرت نرم استفاده شده است. (مراجعه شود به: نائینی، ۱۳۸۸)

۴. اثرهای عمیق: قدرت سخت جز در موارد محدود، دارای اثر کوتاه‌مدت بر جامعه هدف است. در حالی که اثر کاربرد قدرت نرم، به ویژه در بعد فرهنگی، می‌تواند همیشگی باشد؛ چراکه ممکن است باعث تغییر ارزش‌ها، هنجارهای جامعه و شخصیت افراد گردد. با اوج‌گیری مبارزات امام در سال‌های منتهی به انقلاب با تغییر ارزش‌ها و هنجارهای افراد، نگرش و جهت‌گیری جامعه نسبت به نظام پهلوی تغییر کرد و انقلاب اسلامی را به‌بار آورد.

۵. روش‌های غیرخشونت‌آمیز: در قدرت سخت، با تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین، اهداف تأمین و اراده تحمیل می‌شود. در حالی که در قدرت نرم با تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری و در نهایت با روش‌های غیرخشونت‌آمیز با کاهش مشروعیت و مقبولیت حریف، اراده بر او تحمیل می‌شود. امام خمینی با کمترین میزان خشونت و کاربرد ابزارهای سخت نظامی توانست با زایل کردن مشروعیت رژیم، حتی در ذهن ارکان قدرت رژیم از جمله نیروهای نظامی و ارتش، اراده خود را بر رژیم حاکم تحمیل و آن را ساقط کند. البته تاکتیک‌های مختلفی که در به‌کارگیری قدرت نرم استفاده می‌شود، بسته به مکاتب متفاوت است. به عنوان مثال فریب و مغالطه، دروغ بزرگ، کلی و مبهم‌گویی، جاذبه‌های جنسی، ترور شخصیت و ... در اسلام جایگاهی ندارد و رهبران دینی برای جذب و جلب دیگران مجاز به استفاده از این ابزارها نیستند. در مقابل، از تاکتیک الگوسازی (اسوه حسنه) مؤلفه القلوب، تبشیر و انداز، عبرت‌آموزی تاریخی، نمادهای دینی، ترویج الگوهای شخصیتی و امثال آن استفاده می‌شود.

منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی

منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم، همواره ثابت نبوده و با تحول بسترها و شرایط، تغییر می‌یابند. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های قدرت نرم را می‌توان در سه حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد مشخص کرد. در عرصه فرهنگ یا اجتماع، مقوله‌هایی چون هنر، رسانه‌ها، دانش و ورزش مطرح می‌شود. فرهنگ حتی در برگیرنده مواردی چون ذائقه غذایی یک ملت، خصلت‌های پسندیده ملی، موقعیت فرهنگی ممتاز و تعداد محصولات فرهنگی یک کشور نیز می‌باشد.

در زمینه دانش، دانشگاه‌ها، مراکز فکری، تحقیقاتی و مطالعاتی معتبر، برنامه‌های جذب و مبادله دانشجو، سهم جهانی در ارائه فناوری‌های نوین علمی، موفقیت‌های علمی و تحقیقاتی دانشجویان و دانشمندان ملی در صحنه بین‌المللی، در زمینه ورزشی نیز کسب افتخارات و میزبانی مسابقات جهانی یا حتی منطقه‌ای، از مؤلفه‌های مهم در جذب افکار و اذهان بین‌المللی و ایجاد قدرت نرم محسوب می‌شوند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۴۳) ایدئولوژی و مذهب نیز از عواملی است که می‌تواند قدرت نرم

ایجاد کند که در ادامه پژوهش بیشتر به این موضوع پرداخته می‌شود.

در آموزه‌های دینی و گفتمان انقلاب اسلامی، برخی مفاهیم و مقولات، تولید کننده قدرت نرم در حد اعلی هستند که با توجه به نقش برجسته آنها در ترغیب مردم به مبارزه با رژیم پهلوی به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. فرهنگ ایثار: این هنجار توسط اسلام توصیه شده است و بسیاری از مکاتب از آن بی‌بهره‌اند. این هنجار و رفتار توسط مؤمنان خاص صورت می‌گیرد. آنها با اینکه از طرف مقابل، رفتار مثبت و اعتمادآمیزی نمی‌بینند، با بخشش و گذشت، با دیگران رفتار می‌کنند. این افراد در مقابل کارهای خیر خود، انتظار هیچ پاداشی ندارند و با برقراری این رابطه، سرمایه اجتماعی را در جامعه اسلامی حفظ می‌کنند. اسلام می‌کوشد چنین روحیه‌ای را در جامعه اسلامی رواج دهد و از پیروان خود می‌خواهد، بدون توجه به اینکه طرف مقابل آنها چه رفتاری دارد، از خود ایثار به خرج دهند. این افراد در ادبیات قرآنی «ابرار» نامیده می‌شوند. (ردادی، ۱۳۸۹: ۱۹۹ - ۱۹۸) ایثار موجب خودسازی و تکامل شخصیت افراد می‌گردد و عامل مهمی در پرورش روح و انسانیت آنها به شمار می‌آید. برای این عمل اجر عظیمی نیز در نظر گرفته شده است.

۲. فرهنگ شهادت: شهادت یعنی از شیرین‌ترین، عزیزترین و گران‌قیمت‌ترین دارایی خود، یعنی جان، برای عشق به میهن، ناموس و رضایت پروردگار گذشتن. به عبارت دیگر، شهادت؛ یعنی فنا شدن یا محو شدن در وجود الهی. از این نظر، شهادت وصل است به ملکوت اعلی، و شهید مُحرم به احرام عشق الهی است. گذشت زمان و تغییر و تحول و آمد و شد نسل‌ها، به جاودانگی این فرهنگ انسان‌ساز لطمه‌ای وارد نمی‌آورد و عاشقان راه حق و آزادگان جهان، همواره این مشعل هدایت را فرا راه خویش می‌یابند و در پناه آن پرده‌های سیاه شب جور را می‌درند و فروغ آزادی و شرف و عزت را ظاهر می‌سازند. (حسین‌پور، ۱۳۸۷: ۲۶۲ - ۲۶۱) در اسلام، شهادت گزینش مرگ سرخ همراه با شناخت و آگاهی و بر مبنای آزادی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل و انحرافات فکری است. (اصغری، ۱۳۸۸ الف: ۷۳) شهادت، مرگی آگاهانه است که مجاهد از روی آگاهی و برای هدفی مقدس و به تعبیر قرآن کریم «فی سبیل الله» انتخاب می‌کند.

انقلاب اسلامی ایران کارآمدی فرهنگ شهادت را به خوبی به نمایش گذاشت. این انقلاب برای دستیابی به اهداف خود، هیچ یک از ابزارهای ظاهری موفقیت، اعم از قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و حمایت جهانی را در اختیار نداشت و تنها اسلحه برنده آن، شهادت‌طلبی بود. (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۳ - ۲۳۲) جایگاه فرهنگ شهادت‌طلبی را در تولید قدرت نرم، می‌توان در این جمله امام خمینی به زیبایی مشاهده کرد: «اگر بکشیم به بهشت می‌رویم و اگر کشته شویم، به بهشت

می‌رویم، این منطق شکست ندارد». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۴ / ۱۲۴) این جمله ترجمان آیه «هل ترصون بنا أأاحدي الحسينين» (توبه / ۵۲) است.

۳. فرهنگ مقاومت و پایداری: صبر و استقامت و تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها در راه خدا و انجام وظیفه، یکی از صفات برجسته پیامبران بوده است؛ بی‌تردید پیامبر اعظم مأموریت داشت تا بشریت را از ظلمات شهوت، جهالت، استبداد و پرستش‌بت‌ها و تعصبات نژادی و طبقاتی برهاند و این مهم، جز در سایه صبر، استقامت و پایداری میسر نبود. (اصغری، ۱۳۸۸: ۱۷) پایداری و مقاومت چنین مردانی در راه پیشروی به سوی هدف، کوه مشکلات را از پیش پایشان برمی‌دارد، گویی در درون آنها چیزی از آهن و فولاد نهفته است که این گونه آنان را مقاوم و پایدار ساخته است. (همان: ۶۵)

نمونه‌هایی از این فرهنگ، طی دوره مبارزه ملت ایران برای رقم زدن انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود. از آنجا که فرهنگ استقامت و پایداری هم در قرآن کریم و هم در روایات و سیره ائمه مشاهده می‌شود، باید آن را از منابع مولد قدرت نرم به حساب آورد.

۴. فرهنگ جهاد: جهاد از ریشه جهد و به معنای سختی و مشقت است. جهاد، یعنی در راه خدا با دشمن جنگیدن. جهاد و مجاهده و به کار بردن نیرو برای دفع دشمن به سه طریق است: جهاد برای راندن دشمن بیرونی، جهاد با شیطان و اهریمن و جهاد با نفس. (حق‌پناه، ۱۳۸۸: ۸۰) فرهنگ جهاد و مبارزه در راه خدا یکی از منابع قدرت نرم جامعه مؤمنان است. این فرهنگ، مولد قدرت و اقتدار بوده، و با ایجاد روحیه، جرأت و اراده مبارزه در راه خدا، موجب برهم خوردن موازنه قدرت به نفع مؤمنان در این درگیری و رویارویی می‌شود. (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱)

۵. فرهنگ وحدت، همگرایی و تعاون: وحدت و هم‌گرایی در جامعه توحیدی، علاوه بر دستوری و حیاتی، امری عقلانی است و بیش از آنکه مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چراکه وحدت در نظام اجتماعی اسلام، تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است. وحدت نه تنها در عقاید و شریعت اسلام ریشه دارد، که حیات امت اسلامی و تاریخ این امت بر آن استوار است. وحدت و همگرایی هدفی عالی و آرمانی است که گذشته عزتمندان اسلام و مسلمانان را تداعی می‌کند. (وطن دوست، ۱۳۸۹: ۱۱)

بنیان تکامل اجتماعی و رشد و تعالی جامعه بر وحدت استوار است. تجمع ظرفیت‌های انسانی، همفکری و همکاری (تعاون) آنها برای پیشبرد اهداف اجتماعی و انجام کارهای بزرگ، بدون وحدت و همدلی، تعاون و همگرایی آحاد جامعه و همدلی که به همفکری، همکاری و تعاون منجر می‌شود، از ابزارها و منابع قدرت نرم جامعه مؤمنان محسوب می‌شود. (جوشقانی، ۱۳۸۹: ۲۳۰) نمونه عینی

این همدلی و اتحاد در راه دستیابی به اهداف، در جریان مبارزه با رژیم طاغوتی در سایه هدایت و رهبری امام خمینی علیه السلام به وضوح مشاهده شد.

۶ فرهنگ انتظار: اعتقاد به وجود و ظهور امام زمان علیه السلام و تأسیس حکومت عدل و حق، از اصول اعتقادی شیعه است؛ البته اصل موضوع، فصل مشترک همه مسلمانان است. (ایزدی، ۱۳۸۷) به تعبیر استاد مطهری (۱۳۷۳: ۶۴)، انقلاب و ظهور حضرت مهدی علیه السلام حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. قیام حضرت، آخرین حلقه از مجموعه مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده و حضرت، تحقق‌بخش واقعی اهداف همه انبیا، اولیا و مردان مبارز در راه حق است. این شور، شوق، عشق و امید به آینده، نیروی عظیمی را برای دستیابی به اهداف ایجاد می‌کند.

همه ابعاد وجود امام، لطف است و رهبری باطنی را برعهده دارد. وجود امام و رهبری معصوم دینی و اجتماعی، اگرچه در پس پرده غیب باشد، برای سازماندهی اجتماعی جامعه مومنان منبع بی‌پایان انرژی، تحرک و استقامت است. (کریمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۱ - ۲۲۰) یکی از فواید انتظار، امید به آینده‌ای سبز است. یکی از محققان و شیعه‌شناسان آلمانی در این باره تحلیلی زیبا ارائه می‌کند:

از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که همیشه می‌تواند موجب امیدواری و رستگاری شیعه باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است؛ زیرا عقیده شیعه این است: هنگامی که انسان به بستر رود، به این امید باید بخوابد که چون صبح از خواب برخیزد، حجت ظهور کرده و او برای تأییدش آماده باشد. معتقدند که همه مردم و دول زمین، تابع حکومت آنها خواهند بود. گویا فرد شیعه، بدون استثنا، شب که در بستر می‌روند، به امید ترقی و عالم‌گیری مذهب اقتدار خود، صبح از خواب برمی‌خیزند. یأس و حرمان، عامل هرگونه نکبت و ذلت می‌گردد؛ ولی ضد آن، که پشت گرمی و امیدواری و قوت قلب از روی اعتقاد است، مایه فلاح و نجات است. (همان: ۲۲۲)

۷. فرهنگ حق‌محوری: حق‌محوری از بنیان‌های محکم دین اسلام است. در اسلام به این امر به اندازه‌ای توجه شده که هرچیز مهم و اساسی در دین، به حقیقت و حقانیت منتسب شده است. خدا در قرآن کریم، دین خود را با واژه حق، وصف کرده: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ». (توبه / ۳۳؛ فتح / ۲۸؛ صف / ۹) یا ارسال پیامبر را بر پایه حقیقت استوار می‌داند: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ» (احزاب / ۴۵) یا نزول قرآن و محتویات آن را با واژه حق تعریف می‌کند: «هُوَ الْحَقُّ». (انعام / ۶۶؛

لقمان / ۳۰؛ حج / ۶) همه این تأکیدات، نشان می‌دهد که حق محوری و حقیقت‌طلبی، آن‌چنان با مکتب اسلام و دین مبین آمیخته شده که تفکیک آنها امری ناممکن است. از این‌رو مؤمنان و دین‌باوران، باید اندیشه خویش را به دنبال امور عینی و واقعی سوق داده، آنها را مبنای زندگی خود قرار دهند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۸۳ - ۸۲) عنصر حقیقت‌محوری جایی برای نفوذ، سلطه یا ولایت کفر باقی نمی‌گذارد. به همین دلیل، از منابع مهم قدرت نرم در انقلاب و مبارزه به شمار می‌آید. در مبارزه ملت ایران علیه نظام حاکم در سال ۱۳۵۷ همه ارزش‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی - اعتقادی مذکور به منصفه ظهور رسید؛ مردمی که بدون داشتن کمترین ابزار مبارزه، صرفاً با اتکا به ارزش‌های فوق و با یکی کردن دل‌ها و اراده‌های خود، در مقابل ارتش مقتدر شاه ایستادند و به عمر حکومت متصلب آن پایان دادند. در ارتباط با این ارزش‌های فرهنگی که همگی برآمده از اندیشه شیعه و ایدئولوژی اسلامی می‌باشد، نظریه‌پردازان معاصر انقلاب چون تدا اسکاچ پل (۱۹۸۲)، جان فوران (۱۳۷۵)، سعیدامیر ارجمند (۱۳۷۷) و لیلی عشقی (۱۳۷۹) و ... نقش ایدئولوژی و فرهنگ شیعی را در انقلاب اسلامی ایران بسیار برجسته می‌دانند. آنچه آنها در فرهنگ شیعی یافته‌اند، همان است که نمود عینی‌اش در حرکت انقلابی ملت ایران در زیر لوای مذهب شیعه و رهبری امام خمینی علیه السلام تبلور یافته است.

امام خمینی؛ بازتولید قدرت نرم و پی‌ریزی انقلاب اسلامی

افق فکری امام خمینی در بازتولید قدرت نرم با خاستگاه قدرت نرم غرب به لحاظ معرفت‌شناسی و محتوا کاملاً متفاوت است. برای شناخت بیشتر این افق فکری، مبارزه فرهنگی ایشان در قالب قدرت نرم، بر مبنای آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. قیام‌الله: هنگام بحث از قدرت نرم، تئوریسین‌های غربی جایگاهی برای مذهب قائل نیستند و این امر ناشی از برداشت ابزاری و مادی‌گرایانه از قدرت است. در بحث مذهب و قدرت نرم، نای مذهب را واقعاً مغفول می‌گذارد. در مقابل، امام خمینی نهضت خود را بر پایه کلمه توحید و مذهب قرار داد و در قالب جملاتی مختلف نظیر: «اینها از اسلام می‌ترسند، از من و تو نمی‌ترسند»؛ (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۶ / ۳۹) «قیام‌الله یگانه راه اصلاح جهان»؛ (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۱) «خودخواهی و ترک قیام برای خدا عامل بدبختی ماست. قیام برای شخص است که یک نفر مازندارنی بی‌سواد را بر یک گروه چند میلیونی چیره می‌کند»؛ (همان: ۲۲) «اسلام سدی در برابر اجانب شرق و غرب»؛ (همان: ۲۲۹) «متصل به خدا شکست ندارد»؛ (همان: ۱۹) «بهترین موعظه خداوند، قیام برای خداست»؛ (همان: ۲۱) «هیچ قدرتی به اندازه مذهب نخواهد بود و نظامی‌ها و

سیاسی‌ها اکثراً تحت نفوذ مذهب هستند؛ (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴ / ۲۰۰) توانست قدرت مذهب را که به بوته فراموشی سپرده شده بود، احیا کند و زیربنای حرکت نهضت خود را توحید قرار دهد. امام خمینی در جواب خبرنگار السفیر لبنان که پرسید: شایعاتی در غرب وجود داد مبنی بر اینکه انقلاب ایران بر نیروی روحی امام، یعنی فرد تکیه دارد، آیا این درست است؟ فرمود:

اگر در گذشته نهضت ایران متکی به فرد یا گروه‌هایی بوده است، امروزه این نهضت از درون مردم می‌جوشد و از فطرت آنان بر میخیزد. لذا ما معتقدیم با نبودن فرد خاص نهضت خاموش نمی‌شود و انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۸۱)

شهید مرتضی مطهری بیان می‌کند: «چهار «آمن» (ایمان دارد) امام را به پیروزی رساند: آمن بهدفه، آمن بقوله، آمن بسبيله، آمن برئه». ایشان از امام نقل می‌کند که در یک جلسه خصوصی به من گفتند: «فلانی! من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم». آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه او گام بر می‌دارد خدا هم به مصداق «ان تنصروالله، ینصرکم» بر نصرت او اضافه می‌کند. (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۷)

امام در مقایسه نهضت ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی به جایگاه و قدرت مذهب اشاره می‌کند و می‌فرماید: «در آن روز، نهضت صرفاً سیاسی بود، اما امروز جنبه مذهبی آن می‌چربد». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۲۹۰) به تعبیری، در گذشته فریاد مردم ایران برای نفت بود، اما فریاد سال ۱۳۵۷ منبعث از اسلام بود و میان کسی که به خاطر دین مبارزه می‌کند و کسی که به خاطر ماده دست به مبارزه می‌زند، تفاوت است. (رجبی، ۱۳۷۷: ۱۴۴) خلاصه کلام، امام غایت و هدف و رمز پیروزی نهضت را اسلام می‌دانست.

۲. بازگشت به خویشتن: آنچه در مبارزه نرم اهمیت دارد، تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی به منظور تسخیر قلوب و مغزهای جامعه بدون خونریزی است. نظام فکری غرب با حکومت‌های دست‌نشانده در جهان سوم و با نگاه شرق‌شناسی، توانست به استحاله نظام فکری این جوامع اقدام کند که نتیجه آن خودباختگی روحیه ملت‌های جهان سوم بود. در این میان، رهبران و روشنفکرانی نظیر گاندی، سید جمال، محمدعلی جناح، شریعتی، رشیدرضا و دیگران اقداماتی را برای بازگشت ملت‌ها به فرهنگ و مبانی خود انجام دادند که هر چند در نوع خود، امری مثبت بود، ولی امام خمینی دست به مهندسی نظام فرهنگی در جامعه ایران زد که بازگشت به خویشتن یکی از اضلاع آن بود. ایشان بیداری و آگاهی را اولین قدم در خروج از غفلت و سلطه فکری استعمار و تعیین سرنوشت تلقی می‌کرد:

شیوه مبارزاتی امام خمینی علیه السلام در چهارچوب قدرت نرم، با بهره‌گیری از ... □ ۷۳

بیداری اولین قدم است، اول قدم یقظه (بیداری) است؛ در سیر عرفانی هم یقظه اول قدم است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۳۸۲)

ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در سیر الی‌الله هم اهل معرفت گفته‌اند که یقظه (بیداری) اول منزل است. در طول تاریخ، در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد. و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند. (همان: ۱۳ / ۵۳۱)

بنا به تعبیر امام، صرف تغییر نظام سیاسی و جابه‌جایی قدرت مهم نیست، آنچه اهمیت دارد، شناخت و بازگشت به خویشتن است. در منظومه فکری امام به عنوان خالق و پردازشگر گفتمان انقلاب اسلامی، «خودآگاهی»، «خویشتن‌یابی» و «بازگشت به خویشتن» مفاهیم محوری هستند. (نظری، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شود؛ ... پیروزی را ما باید از انقلاب درونی جستجو کنیم. تا این امر حاصل نشود، انقلاب‌ها، یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر است و وضع برای ملت همان جور که بوده، می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۴۷۹)

امام با استناد به آیات قرآنی «رَجِعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (انبیاء / ۶۴) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقَوْمٌ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد / ۱۱)، عامل پیروزی یک ملت را در بازگشت به خویشتن، بیداری (یقظه)، حرکت و تحول فکری می‌داند و متقابلاً وابستگی فکری و فرهنگی به غرب را عامل عقب‌ماندگی و ازخودبیگانگی می‌شمارد. نگاه شرق‌شناسانه غرب، حاکی از این امر است و راه خروج از این بن‌بست، تکیه بر فرهنگ اسلامی و درک هویت خویش است. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۲۱۲ - ۲۱۱)

امام خمینی بازگشت به خویشتن و نفی فرهنگ استعماری غرب و از خود بیگانگی را در قالب مفاهیم متعددی تبیین می‌کند که نقطه ثقل تمامی آنها بازگشت به اسلام و طرد مبانی فکری اومانیستی غرب بود. بدین ترتیب، ایشان مشروعیت‌سازی برای نظام اسلامی و در مقابل،

مشروعیت‌زدایی از نظام پهلوی را سامان می‌دهد که به تدریج موجب فروپاشی پایه‌های مشروعیتی نظام پهلوی می‌شود. از سوی دیگر، ایشان با گسترش دامنه بازگشت به خویشتن و فرهنگ اصیل اسلامی در بعد بین‌المللی و با به کار بردن اصطلاحاتی نظیر شیطان بزرگ، (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۴۸۹) ام‌الفساد قرن بیستم، صهیونیسم بین‌الملل، آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر (همان: ۱ / ۴۲۰)، مشروعیت نظام فکری غرب را زیر سؤال برد.

از سوی دیگر، بررسی و تحلیل شعارهای انقلاب اسلامی، اعلامیه‌ها، سرودهای انقلابی، مطالبات مردم، سخنرانی‌ها و ... همگی در برگیرنده مطالبات هویتی و بازگشت به خویشتن بود. برخلاف سایر انقلاب‌ها که گذشته خویش را نفی می‌کردند و اصولاً در واکنش به گذشته خویش بودند، انقلاب ایران خواستار بازگشت به گذشته درخشانی بود که دین و مذهب در مرکز ثقل آن قرار داشت و هرگونه عظمت و هویت را در قالب دین و مذهب جستجو می‌کرد. فوکو در تعبیری زیبا این‌گونه بیان می‌کند:

... ایرانیان می‌گویند باید شیوه بودنمان و رابطه‌مان با دیگران، با چیزها، با ابدیت، با خدا کاملاً تغییر کند و تنها در صورت این تغییر ریشه‌ای در تجربه ماست که انقلاب ما انقلاب واقعی خواهد بود. (فوکو، ۱۳۷۹: ۶۰)

۳. تبلیغات: تبلیغات جمع کلمه «تبلیغ» است. ماده «بلغ» نیز به معنای رسیدن به آخرین حد و بالاترین مرحله است. (ناجی، ۱۳۷۰: ۱۷) در قرآن کریم نیز ابلاغ در صورت‌های گوناگون ذکر شده است: «لقد ابغتکم رساله ربی»، (اعراف / ۷۹) «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک»، (مائده / ۶۷) «الذین یبلغون رسالات الله». (احزاب / ۳۹) در متون سیاسی و جامعه‌شناسی ارتباطات، تبلیغات در برابر واژه «پروپاگاندا» قرار می‌گیرد که معادل تقریبی تبلیغات سیاسی است. تبلیغاتی که هدف آن توسعه و ترویج ایده‌ها یا اطلاعاتی است که به منظور ترغیب و اقناع مردم منتشر می‌شود. (مروی، ۱۳۸۵: ۴۳)

یکی از ابزارهایی که امام خمینی در روند پیروزی انقلاب اسلامی از آن بهره گرفتند، تبلیغات بود. امام بر این امر، اهتمام جدی داشت و در کتاب خود، عمده‌ترین کار در مسیر تشکیل حکومت اسلامی را بر تبلیغات قرار داد (امام خمینی، ۱۳۵۶: ۲۰۷ - ۱۷۳) و مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و منبرهای ایشان نیز یک کنش ارتباطی دو سویه برای تبلیغ و آگاه‌سازی بود. ایشان از دو شیوه تدریجی و زمان‌بندی و تکرار با بیان‌های گوناگون، در امر تبلیغات استفاده کردند که تعابیر پیش رو، حاکی از

اهمیت این ابزار است: «اسلحه قلم»، (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱ / ۲۷۳) «تبلیغات از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است»، (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۵ / ۲۴۹) «اولین قدم در راه تشکیل حکومت، تبلیغات و تعلیمات است»، (امام خمینی، ۱۳۵۶: ۱۷۵) ایشان در ابتدای کتاب حکومت اسلامی با اشاره به تبلیغات ضداسلامی یهودیت و نیز استعمارگران از طریق تأسیس مدارس و مراکز فرهنگی در راستای خودباختگی مسلمانان ایران (امام خمینی، ۱۳۵۶: ۱۹ - ۱۷) لزوم کار فرهنگی را مطرح می‌کنند.

امام خمینی با کاربرد تعابیر «خانه»، «عائله» و «فروپاشی دیوارها»، «تبلیغات تار عنکبوتی» (در مقابل دهکده جهانی مک لوهان) نشان داد که از قدرت کامل تبلیغات آگاه بود: «برداران و خواهران من، امروز در عصری واقع هستیم که تمام دنیا، به منزله یک خانه شده‌اند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳ / ۱۳۰) بنابراین، امام خمینی با وقوف به جایگاه تبلیغات در شناساندن اسلام و خنثی کردن توطئه استعمارگران و نقش افشاگری و ماهیت تبلیغات در زیر سؤال بردن مشروعیت پهلوی، تلاش کرد به هدف خود برسد. ایشان، حتی صدور انقلاب را نیز با روش فرهنگی و تبلیغاتی امکان‌پذیر می‌دانست.

۴. ارتباطات: نهضت امام خمینی در سال‌های اولیه خود از لحاظ امکانات ارتباطی با مشکلات زیادی مواجه بود که ناشی از وجود افراد ناآگاه، انزوای حوزی، حاکم بودن قاعده تقیه و جو جدایی دین از سیاست، وابستگی بعضی از روحانیان به دربار، ... بود. امام در قدم اول به بازسازی شبکه روحانیت، رفع اختلافات حوزوی، تلاش برای تثبیت مرجعیت آیت‌الله بروجردی و قانع کردن علمای بلاد، تلاش برای تأمین وجوه شرعی برای طلاب، تعلیم و تربیت شاگرد و مبلغینی مانند مطهری، فلسفی و ... و انتشار پیام‌ها، جزوات، کتاب ... اقدام کرد. به عنوان مثال ایشان در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از طریق مکاتبه و نامه‌نگاری، به افشاگری پرداخت. در مرحله دوم نهضت امام که از دی‌ماه ۱۳۵۶ آغاز شد، وسایل ارتباطی نسبت به مرحله اول گسترده‌تر گردید؛ شعارها، دیوار نوشت‌ها، مصاحبه‌های امام، پخش گسترده نوارهای کاست، سخنرانی شخصیت‌های مبارز و ... برخی از این امکانات بود. بدین ترتیب، نمادهای دینی، علایم فرهنگی، مراسم‌های مذهبی در پرتو ابزارهای ارتباطی جدید، دست به دست هم داد تا نهضت الهی به سر انجام رسید.

۵. اعتقاد به مردم و بسیج سیاسی: در غرب، نوع نگاه به انسان، ابزاری و هدف آن، شکل دادن به تصورات و اندیشه‌های مردم بوده، خاستگاه توجه به مردم نیز سیاسی، مادی و قدرت‌طلبانه است و انسان به مثابه یک شیء و ابزار تلقی می‌شود. در حالی که نوع نگاه امام خمینی به انسان، الهی بود و کرامت انسانی را قابل معامله با بازی‌های سیاسی نمی‌دانست. ایشان با تعبیری نظیر انسان عصاره خلقت (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۲۱۸؛ همان: ۸ / ۶۳ و ۲۵۴؛ همان: ۱۴ / ۷ و ۱۵۳)، فریاد مستضعفان (همان: ۷ / ۱۱۷ و ۲۹۲؛ همان: ۸ / ۱۹۷؛ همان: ۱۱ / ۲۷۲ و ۳۷۵) و پیام به اقوام نظیر

پیام به مردم آذربایجان (همان: ۳ / ۳۵۳؛ همان: ۶ / ۱۳۹؛ همان: ۸ / ۲۵۱)، کردستان (همان: ۴ / ۳۱۱؛ همان: ۵ / ۴۴۵؛ همان: ۶ / ۱۸۴ و ۳۸۴؛ همان: ۹ / ۳۱۱ و ۳۱۶)، لرستان (همان: ۶ / ۱۲۳) و ...، مخاطب قرار دادن ملت‌ها به جای دولت‌ها و لزوم رابطه قلبی دولت‌مردان با ملت‌ها (همان: ۱۳ / ۸۹؛ همان: ۱۷ / ۵۳۲؛ همان: ۱۸ / ۱۲۲)، مقصد نجات، ملت و امت است (همان: ۳ / ۴۵۵؛ همان: ۴ / ۲۷۹؛ همان: ۵ / ۱۱۲)، ملت دیگر بیدار شده است، (همان: ۲ / ۱۵۱؛ همان: ۳ / ۴۲۷) سعی کرد مردم را برای بسیج آماده کند. به همین دلیل، بعد از انقلاب هم برای حفظ نظام و سرزمین ایران، «بسیج» را راه انداخت. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۳۹۷) این رابطه و بازتولید قدرت نرم و تبدیل ایران از ملتی که روح تفرد و فردگرایی منفی بر آن حاکم بود، به یک ملت منسجم و هم‌صدا، در سایه رهبری هوشمند امام و رابطه قلبی امام و امت به وجود آمد.

عامل اتصال دهنده این رابطه، قدرت معنوی (اتصال به خدا) بود و امام این رابطه را به دو صورت رابطه سعودی (دولت - خدا) و رابطه نزولی (دولت - مردم) مطرح کرد؛ (همان: ۱۲۰) در مورد رابطه اول امام معتقد بود:

دل مردم مسلم، با اسلام به دست می‌آید. ... قلوب مسلمین را باید توسط اسلام جلب کرد «إِلَى اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد / ۲۸)؛ تمام قلوب دست خداست؛ «مُقَلَّبَ الْقُلُوبَ» خداست. به خدا متوجه شو تا دل‌های مردم به تو متوجه شود (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۱۲۱)

درباره رابطه دوم اینگونه فرمود: «این اجتماع که برای دیگران خرج دارد، برای ما با یک جمله تهیه می‌شود. مردم فهمیده‌اند ما دوست آنها هستیم، مردم به دوستشان علاقه دارند.» رابطه قلبی مردم با امام آنقدر قوی بود که اوریانا فالاجی خبرنگار و نویسنده ایتالیایی تحت تأثیر رابط قلبی مردم و امام این سؤال را از امام پرسید که این عشق است یا فئاتیسم؟ وی خود فکر می‌کرد که فئاتیسم است، آن هم فئاتیسمی خطرناک‌تر از فاشیسم؟ اما امام فرمود:

نه به فاشیسم ربطی دارد، نه به فئاتیسم. ملت فریاد می‌کشد؛ به خاطر اینکه به من محبت دارند و مرا دوست دارند و به خاطر اینکه ملت حس می‌کند من خوبی آنها را می‌خواهم و به نفع آنها عمل می‌کنم. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۹۹ - ۹۸)

در واقع قدرت نرم امام به لایه‌های درونی و قلوب مخاطبان نفوذ کرده بود. لوسین ژرژ خبرنگار روزنامه «لوموند» پس از ملاقات با امام در نجف نوشت:

اگر آیت‌الله خمینی قدرت آن را دارد که ایران را به حرکت در آورد، این قدرت

شیوه مبارزاتی امام خمینی علیه السلام در چهارچوب قدرت نرم، با بهره‌گیری از ... □ ۷۷

مسلماً ناشی از تسلط و اقتدار وی بر افکار مردم ایران است؛ اقتداری که پس از تبعید وی از ایران به جای آنکه کم شود، ده برابر شده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۳۶۸)

فوکو در یک تعبیر زیبا می‌گوید:

یکی از چیزهای سرشت نمای این رویداد انقلابی، این واقعیت است که این رویداد انقلابی، اراده مطلق جمعی را به نمایش می‌گذارد که کمتر مردمی در تاریخ چنین فرصتی داشتند؛ در خیابان‌های تهران، کنش سیاسی و فضایی جریان داشت که در آیین‌های مذهبی به طور دست جمعی اجرا می‌شود: کنش سلب حق از پادشاه. (فوکو، ۱۳۷۹: ۵۹ - ۵۷)

۶. نمادها و سمبل‌ها: شیعه و نمادهای آن (اسطوره شهادت، محرم و صفر، حج ابراهیمی، عدالت، امام امت، و...) مهم‌ترین کانون تولید قدرت نرم در فرهنگ ایرانی است که با ابتکار خاص امام در روند پیروزی انقلاب اسلامی به منبع قدرت نرم تبدیل شد. امام خمینی با ارائه الگوی رهبری در نظام اسلامی که قابلیت انطباق در وضعیت انقلابی را دارد؛ الگوی «حکومت امیرالمؤمنین» و مقایسه آن با حکومت پهلوی، مشروعیت و عدم سلامتی رژیم را به زیر سؤال برد و با اسطوره «قیام امام حسین» که تکمیل‌کننده اسطوره اول است، واکنشی در مقابل چنین حکومت ناصالحی ایجاد کند و یک تشابهی بین وضعیت مبارزاتی زمان خود با وضعیت صدر اسلام ایجاد نماید. عمده‌گفتمان امام در استناد به این اسطوره‌ها بر مبنای فعال کردن فزاینده جانشین‌سازی بود.

۷. شهادت: در ادبیات و فرهنگ شیعه دو دیدگاه نسبت به شهادت و قیام ابا عبدالله وجود دارد؛ دیدگاه اول، سنتی و تا حد زیادی عامه‌پسند است که صرفاً مرثیه‌خوانی و بیان حزن‌آمیز وقایع کربلا را در نظر می‌گیرد و به امام حسین علیه السلام بیشتر به عنوان شفاعت‌دهنده و واسط بین انسان و خدا نظر دارد. اما دیدگاه نوین به دنبال شناخت منطق موجود در ورای قیام و به دنبال تجزیه و تحلیل پیام‌دهندگی و اثربخشی این الگو برای مقاومت، مبارزه و شهادت است. امام خمینی علیه السلام با درک لبّ فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، آن را از حالت یک تراژدی غم‌انگیز خارج ساخت و به صورت یک مبارزه سیاسی مستمر علیه ظلم مطرح کرد که مسلمانان باید از آن به عنوان یک راهنما درس بگیرند. به تعبیر بهتر، کربلا یک صحنه ماتم یا حادثه غم‌بار نیست، کربلا یک مدرسه است، نه یک قبرستان. (خرمشاد، ۱۳۸۴: ۷۹) لیلی عشقی در این باره می‌نویسد:

آنچه مردم را در جریان این انقلاب به پیش می‌برد، فرهنگی بود که از کربلا و

بزرگداشت سالیانه آن شکل گرفته و تداوم یافته بود ... در واقع، انقلاب تکرار عاشورا تصور می‌شد؛ یعنی اجرای دوباره همان حادثه. ارتش شاه به منزله یزید و مردم به مثابه پیروان امام حسین علیه السلام در نظر گرفته می‌شدند. (عشقی، ۱۳۷۹: ۱۰۱)

کلر بریر و پیر بلانشه (دو روزنامه‌نگار فرانسوی) با اشاره به نقش تحول آفرین شهادت در پیروزی انقلاب تصریح دارند: «ملت ایران با فریاد بی‌پایان شهید، شهید، از شر شاه خلاصی یافتند، در سرتاسر تاریخ این یک رخداد باور نکردنی، بی‌نظیر و بی‌سابقه بود». (بریر و بلانشه، ۱۳۵۸: ۳۵) در تعبیری دیگر، آندره گلوکمان فیلسوف معاصر فرانسوی، سقوط شاه و نقش تاریخ‌ساز شهادت را این‌گونه توصیف می‌کند: «برخلاف باور عمومی، قدرت برتر از لوله تفنگ بیرون نمی‌آید، بلکه این قدرت به کسی تعلق دارد که برای کشته شدن در راه خدا آماده باشد». (هویدا، ۱۳۵۶: ۱۱۰) امام در جواب خبرنگاری از رادیو لوگزامبورگ در سال منتهی به انقلاب که از امام پرسید، چرا محرم از نظر این مبارزات این قدر مهم است؟ فرمود:

محرم ماهی است که عدالت در مقابل ظلم، و حق در مقابل باطل قیام کرد و محرم به اثبات رسانده است که در طول تاریخ همیشه حق بر باطل پیروز است و امسال در ماه محرم، نهضت حق در مقابل باطل تقویت می‌شود؛ من امیدوارم که نهضت اسلامی ایران در این ماه محرم مراحل آخر خود را طی کند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵ / ۱۷۷)

امام خمینی با مقایسه فلسفه قیام امام حسین علیه السلام در مقابل یزید، قیام امیرالمؤمنین در برابر معاویه و قیام ملت ایران در مقابل طاغوت زمان، و نیز با برجسته کردن تعبیر حماسی «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» و پیوند تاریخ کربلا با ضرورت‌های تاریخی، باعث جوشش و حرکت یکپارچه در دل ملتی شد که ریشه خود را در تاریخ کربلا جستجو می‌کرد.

امام به دیدگاه سنتی از امام حسین علیه السلام که یک دیدگاه منفعل، مظلوم و نگاه گریه بدون فلسفه بود، پایان داد و از سال ۱۳۴۱ قیام خود را با بهره‌گیری از مفاهیم کربلا و عاشورا شروع کرد و در سال‌های منتهی به انقلاب، عنصر شهادت را نیز بدان افزود و با همانندسازی قیام ملت ایران با قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه و امام حسین در مقابل یزید و تأکید بر «پیروزی خون بر شمشیر» توانست قیام ملت ایران را به صحنه تاریخ کربلا پیوند زند و پیروزی را برای ملت به ارمغان بیاورد.

استراتژی‌های مبارزاتی امام خمینی

امام خمینی در جریان مبارزات انقلاب اسلامی، از نوعی استراتژی استفاده کرد که تولیدکننده قدرت نرم و یا استفاده از قدرت نرم در مفهوم جدید آن بود و در آن شرایط کسی فکر نمی‌کرد با این شیوه و استراتژی بتوان مبارزه را به پیروزی رساند.

۱. فعال‌سازی شبکه‌های قدرت مرجعیت و حوزه: بعد از رحلت آیت‌الله حایری، امام خمینی برای فعال نگه داشتن حوزه و پایگاه مرجعیت قم به عنوان پایگاه اصلی فکری و فرهنگی برای نهضت، تلاش‌های بسیاری انجام داد تا همراهی مرجع تقلید وقت را برای رهانیدن ملت از کابوس استعمار و استبداد جلب کند؛ زیرا معتقد بود این مرجعیت مقتدر شیعه است که می‌تواند تارهای عنکبوتی را که بر مغزا و قلب‌ها تنیده بگسلد. (روحانی، ۱۳۸۱: ۱۰۵) ایشان، تمامی تلاش خود را به کار برد تا مرجعیت آیت‌الله بروجرودی را تحکیم کند؛ با سفر به همدان و متقاعد کردن علمای آن دیار که مخالف مرجعیت آیت‌الله بروجرودی بودند و تلاش برای بازسازی وجوه شرعیه حوزه که در آن زمان دچار مشکل شده بود و نیز خنثی‌سازی توطئه اختلاف بین امام و بروجرودی، تحریم قاعده تقیه که مانع از ورود روحانیت به عرصه سیاست می‌شد و سایر اقدامات، توانست شبکه ارتباطی و اتاق فکری انقلاب را زنده نگه دارد.

امام در طول ۱۶ سال مرجعیت آیت‌الله بروجرودی، نخست جو جمود و تاجر فکری را در حوزه علمیه قم شکست و زمینه انقلاب فکری را با تربیت شاگردانی که از تفکر سیاسی و اجتماعی برخوردار باشند، فراهم کرد. در مرحله بعد به موضوع تقیه پرداخت و با تحریم تقیه و بیان اینکه تقیه برای حفظ دین است، نه محو آن، مانع بزرگی را از مقابل فعالیت و تحرک حوزه برداشت. علاوه بر این، در کتاب مکاسب با اشاره به بخشی از معاملات حرام و ضرورت عدم تسلط کفار بر مسلمین در رابطه میان حاکم استمگر و مردم، به اهداف سیاسی نهضت که فاش کردن ماهیت رژیم بود، جامه عمل پوشاند.

۲. اعلامیه و بیانیه به عنوان ابزار ارتباطی: یکی از ابتکارات امام در طول مبارزه، صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی بود که به مناسبت‌های مختلف ارائه می‌داد. نهضت امام از هرگونه ابزار ارتباطی برای نشر و بیان موضع خود محروم بود و تنها ابزار ارتباطی امام پخش اعلامیه و سخنرانی در اماکن مذهبی بود که بعداً این اعلامیه‌ها توسط شبکه ارتباطی روحانیت پخش می‌شد. اوت راجز، در ارتباط با نقش تکنولوژی در انقلاب اسلامی، به روابط میان‌فردی و رسانه‌های کوچک نظیر ضبط صوت و اعلامیه‌های زیراکسی می‌پردازد و نقش مردم را در به واکنش کشاندن یکدیگر برجسته نموده، اضافه می‌کند:

امام خمینی رسانه‌های قدرتمندی همچون رادیو و تلویزیون و امواج مایکرو و

ماهواره‌های ارتباطی در اختیار نداشت، اما از تکنولوژی ارتباطی به نحو مؤثری استفاده کرد. (شکرخواه، ۱۳۷۲)

الوین تافلر نظریه‌پرداز معروف آمریکایی نیز معتقد است امام رسانه موج اول، یعنی ارتباط چهره به چهره روحانیون برای مؤمنان را با تکنولوژی موج سوم به خوبی ترکیب کرد. (همان: ۷)

۳. استفاده از مراسم‌های اسلامی: یکی دیگر از شیوه‌های مبارزاتی امام خمینی، استفاده از برگزاری مراسم چهل‌م شهدا بود. بعد از انتشار مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۷ با عنوان «ایران و ارتجاع سرخ و سیاه»، طلاب حوزه علمیه قم در اعتراض به آن نوشته، ۱۹ دی ماه تظاهرات کردند که رژیم، راهپیمایان را به خاک و خون کشید. امام در مقابل این حرکت، خواستار تجلیل از شهدای این حرکت در قالب مراسم سوگواری سنتی و برگزاری چهل‌م شهدا شد و مردم در سراسر کشور به برگزاری مراسم پرداختند و در شهر تبریز این مراسم به درگیری کشیده و تعداد دیگری شهید شدند. امام بار دیگر، خواستار برگزاری مراسم چهل‌م شهدای تبریز شد و این بار تظاهرات در ۵۵ شهر برگزار شد و زنجیره این مراسم، به ماه رمضان در تابستان ۱۳۵۷ و گسترش تظاهرات در سراسر کشور متصل گردید و به تظاهرات گسترده عید فطر (۱۳ شهریور) و کشتار ۱۷ شهریور ختم شد.

بدین لحاظ، استراتژی امام خمینی در برگزاری این مراسم و مجالس مذهبی - سنتی به حرکت و موج اعتراضات مردمی و درگیری با رژیم وسعت بخشید. این روش و استفاده از مراسمات اسلامی در اعتراض و مبارزه علیه رژیم را می‌توان در طول دوره مبارزه دید. پیام‌های امام در مناسبت‌های سوگواری ائمه (علیهم‌السلام)، ماه محرم، صفر و نیز اعیاد و مناسبات اسلامی - که کانون حملات خود را متوجه رژیم می‌کرد - در گسترش مبارزات و بسیج مردمی بسیار مؤثر بود. نطق امام در سال ۱۳۴۱ به مناسبت عید فطر با مضمون:

در مقابل کارهای خلاف شرع و قانون این دستگاه بایستید، از این سرنیزه‌های زنگ زده و پوسیده نهراسید. (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۱۹)

امسال (۲۹ اسفند ۴۱) ما عید نداریم و این عید را عزای ملی اعلام می‌کنم نه به خاطر اینکه مصادف با شهادت امام جعفر صادق است، بلکه به دلیل مصیبت‌ها و لطمه‌هایی است که به اسلام وارد شد. در این سال استعمار توطئه‌هایی (انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و ...) را علیه اسلام تدارک دید (همان: ۳۳۵)

اعلامیه معروف «شاه دوستی؛ یعنی غارتگری» در جریان کشتار مدرسه فیضیه، (همان: ۳۴۵)

اعلامیه به مناسبت چهل‌م شهدای فیضیه و تشبیه حمله عمال رژیم به چنگیزخان مغول، (همان: ۴۳۲)

اعلام عزای ملی به مناسبت سالگرد قیام پانزده خرداد سال ۴۳ و غیره، نمونه‌هایی از استفاده امام از

مراسم و سنت‌های اسلامی - بومی در مبارزه بود.

۴. افشای ماهیت رژیم: یکی دیگر از شیوه‌های مبارزاتی امام خمینی، افشای ماهیت رژیم پهلوی، مشروعیت‌زدایی از نظام سلطنتی و مشروعیت‌سازی برای نهضت اسلامی بود. امام در بحث مشروعیت‌زدایی با مقیاس قرار دادن حکومت امام علی علیه السلام که نمونه عملی حکومت اسلامی و آراسته به اوصاف عدالت، ساده زیستی، مردم‌داری است و با بیان علت مبارزه ایشان با رژیم سلطنتی معاویه، ضداسلامی بودن رژیم شاهنشاهی را برای مردم مطرح می‌کرد. (روحانی، ۱۳۸۱: ۲۲۵)

عمده‌ترین کانون‌های مشروعیت‌زدایی از رژیم، اقدامات ضددینی، فرهنگ و استعمار فکری و قدرت سخت‌افزاری شاه بود. امام با تعبیر «تمدن بزرگ یا عملگی استعمار»، (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲ / ۲۷۳) «اساس پهلوی برخلاف قانون است»، (همان: ۲ / ۲۸۴) «رژیم شاه عهده‌دار تأمین منافع اجانب»، (همان: ۲ / ۱۹۶) «انقراض سلسله پهلوی یک تکلیف الهی است»، (همان: ۲ / ۱۹۲) «غارتی به نام اصلاحات ارضی»، (همان: ۲ / ۱۲۹) «سلب اختیار از مردم، اساس رژیم پهلوی»، (همان: ۳ / ۱۳۸) «شاه نوکری برای حفظ منافع اجانب»، (همان: ۳ / ۲۵۴) «قدرت شاه اتکال به ملت ندارد»، (همان: ۳ / ۲۶۱) «وضع فرهنگ»، (همان: ۱ / ۱۸) «رژیم با حمله به فیضیه ماهیت خود را نشان داد، من همین را می‌خواستیم»، (همان: ۱ / ۲۷) «کاپیتولاسیون سند بردگی ملت ایران، مخالف اسلام و قرآن»، (همان: ۱۱۰) توانست پایه‌های مشروعیت رژیم را زیر سؤال ببرد و حکومتی مبتنی بر اراده جمعی بنیان نهد.

نتیجه

امام خمینی علیه السلام در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی با ترکیب مؤلفه‌هایی چون محوریت توحید و ارزش‌های دینی در مبارزه، بیداری و بازگشت به خویشتن (یقظه)، بسیج اجتماعی و اعتقاد به نیروی مردم و رابطه قلبی بین مردم و رهبری، ضمن نشان دادن اهمیت قدرت نرم به عنوان مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه‌ترین روش برای مقابله با ساختار متصلب و قدرت سخت‌افزاری رژیم پهلوی، و با بهره‌گیری از قدرت نرم آموزه‌های دینی نظیر شهادت، جهاد، بازسازی شبکه تبلیغاتی اسلام و استفاده از اجتماعات اسلامی مانند نمازهای جماعت، اعیاد و مناسبت‌های اسلامی (ماه محرم و صفر ...)، ارتباط کلامی ساده و نیز استفاده از مفاهیم اسلامی در مبارزه، توانست نوعی تحول و گذر از قدرت سخت‌افزاری رژیم پهلوی را رقم زند و ثابت کند که قدرت همیشه از لوله تفنگ بیرون نمی‌آید و کاربرد گسترده قدرت سخت‌افزاری و نظامی نسبت به دهه‌ها و سده‌های گذشته اهمیت خود را از دست داده است و در عصر حاضر برای دسترسی به اهداف و تحمیل اراده، آنچه کاربرد و اهمیت بیشتری دارد، توانایی تأثیرگذاری بر اذهان و افکار مخاطبان است.

منابع و مأخذ

۱. اسکاچیل، تدا، ۱۳۷۵، «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، حضور، شماره ۱۸، زمستان ۷۵.
۲. اصغری، محمود، ۱۳۸۸ الف، «کنکاشی در اندیشه دفاعی امام خمینی»، اندیشه حوزه، سال پانزدهم، شماره دوم، خرداد و تیرماه ۸۸.
۳. اصغری، محمود، ۱۳۸۸ ب، «جهت‌گیری جهادی پیامبر»، اندیشه حوزه، سال پانزدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۸۸.
۴. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۷، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۵۶، نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطا. بی‌جا، بی‌نا.
۶. _____، ۱۳۶۱، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۷. _____، ۱۳۷۸، صحیفه امام (۲۲ جلد)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. امیر ارجمند، سعید، ۱۳۷۷، «انقلاب اسلامی ایران در منظری تطبیقی»، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، عبدالوهاب فراتی (گردآوری)، قم، دفتر نشر معارف، چ ۱.
۹. ایزدی، حجت‌الله، ۱۳۸۷، «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۴۱، زمستان ۸۷.
۱۰. ایندرجیت، پارمار و کاکس مایکل، ۱۳۹۱، قدرت نرم و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا؛ دیدگاه‌های نظری، تاریخی و معاصر، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. بریر، کلر و پیر بلانشه، ۱۳۵۸، ایران: انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، سحاب کتاب.
۱۲. پوراحمدی، حسین، ۱۳۸۹، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
۱۳. جمشیدی، مهدی، ۱۳۹۰، بنیادهای اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی در نظریه علامه مطهری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، نسبت دین و دنیا؛ بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، قم، مرکز نشر اسراء.

۱۵. جوشقانی، حسین، ۱۳۸۹، *جنگ نرم از دیدگاه قرآن*، تهران، نشر ساقی.
۱۶. حسین پورپویان، رضا، ۱۳۸۷، *بسیج و کاربرد قدرت نرم در دوران هشت سال دفاع مقدس*، جلد ۳، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۱۷. حق‌پناه، رضا، ۱۳۸۸، «جنگ و صلح از منظر علامه طباطبائی»، *اندیشه حوزه*، سال پانزدهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۸۸.
۱۸. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۸۴، *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، باز.
۱۹. رجیبی، محمد حسن، ۱۳۷۷، *زندگینامه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله.
۲۰. ردادی، محسن، ۱۳۸۹، *منابع قدرت نرم، سرمایه اجتماعی در اسلام*. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۱. روحانی، حمید، ۱۳۸۱، *نهیضت امام خمینی*، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. شفیع‌فر، محمد، ۱۳۸۷، *در آمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی*، قم، دفتر نشر معارف.
۲۳. شکرخواه، یونس، ۱۳۷۲، «ارتباطات در خدمت جنگ روانی»، *فصلنامه رسانه*، شماره اول، بهار ۷۲.
۲۴. عشقی، لیلی، ۱۳۷۹، *زمانی غیر زمان‌ها*، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، باز.
۲۵. فوران، جان، ۱۳۷۵، «انقلاب ایران ۷۹ - ۱۹۷۷: چالشی بر تئوری اجتماعی»، *حضور*، شماره ۱۸، زمستان ۷۵.
۲۶. _____، ۱۳۷۵، «نظریه‌ای در خصوص انقلاب‌های اجتماعی جهان سوم؛ مقایسه‌ای بین ایران، نیکاراگوئه، السالوادور»، ترجمه مینو آقائی، *راهبرد*، شماره ۹، بهار ۷۵.
۲۷. فوکو، میشل، ۱۳۷۹، *ایران روح یک جهان بی‌روح*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
۲۸. کریمی، مصطفی و دیگران، ۱۳۸۸، *مبانی اندیشه اسلامی؛ راه و راهنما شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۹. گلشن پژوه، محمود رضا، ۱۳۸۷، *جمهوری اسلامی و قدرت نرم*، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۰. محمود مولایی کرمانی، بتول و دیگران، ۱۳۹۱، «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های قدرت نرم»، *فصلنامه قدرت نرم*، سال دوم، شماره ۵، بهار ۹۱.
۳۱. مروی، ابوالفضل، ۱۳۸۵، *شیوه‌های تبلیغی امام خمینی علیه السلام*، تهران، نشر عروج.

۳۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۹، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. _____، ۱۳۷۳، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، صدرا، چ ۱۳.
۳۴. ممتاز، علی، ۱۳۸۹، «مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی»، *قدرت نرم انقلاب اسلامی (ویژه نامه)*، مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۷، شماره انتشار ۱۷۷۶۵.
۳۵. ناجی، محمدرضا، ۱۳۷۰، *شرایط موفقیت تبلیغ*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳۷. نائینی، محمدعلی، ۱۳۸۹، «درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۲۸، بهار ۸۹.
۳۸. نظری، علی اشرف، ۱۳۸۷، *گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۹. نوایی، علی اکبر، ۱۳۸۷، «آینده‌شناسی و آینده‌نگری اتحاد ملی»، *اندیشه حوزه*، سال چهاردهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۸۷.
۴۰. هویدا، فریدون، ۱۳۵۶، *سقوط شاه*، تهران، اطلاعات.
۴۱. وطن‌دوست، رضا، ۱۳۸۹، *وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۲. یوسفی، جعفر، ۱۳۸۷، *بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان‌های اسلامی و لیبرال دموکراسی*، ج ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.